

## آسیب‌شناسی نظام اعطای تابعیت در ایران؛

### موردکاوی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی

#### با مردان غیر ایرانی

سید محمد مهدی غمامی\*، ابوالفضل قوی البینه\*\*

#### چکیده

تابعیت رابطه حقوقی - سیاسی یک شخص با یک دولت است و در نتیجه اعطای تابعیت یک امر حاکمیتی به شمار می‌آید. از این رو هریک از نظام‌های حقوقی - سیاسی دنیا قواعد سخت‌گیرانه‌ای برای اعطای تابعیت وضع می‌کنند و تنها کسانی را به تابعیت خود می‌پذیرند که از آزمون‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با موفقیت خارج شده باشند و علقه خود را با آن نظام سیاسی اثبات کرده باشند. هرچند نظام حقوقی حاکم بر تابعیت به ویژه در مواد ۹۷۶ قانون مدنی با توجه به فقدان شناسه‌ها و علقه‌های ثبت احوال شخصیه در ابتدای قرن چهاردهم، دارای اشکالاتی است؛ ولی قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۸، بدون توجه به ماهیت تابعیت، به منظور تکریم زنان ایرانی و ارائه خدمات اجتماعی به فرزندان حاصل از ازدواج آنان با مردان غیر ایرانی به نحو گسترده‌ای اعطای تابعیت ایران به این فرزندان را با ملحقات محل تأمل تجویز نمود و آسیب‌هایی به پیکره نظام اعطای تابعیت در ایران و کرامت زن وارد نمود. آثار منفی ناشی از اجرای این قانون، با وجود مدت کوتاهی که از تصویب آن می‌گذرد، به واسطه برهم زدن نظم حاکم بر اعطای تابعیت در ایران قابل مشاهده است و ضرورت اصلاح این قانون و سایر قوانین مربوط به تابعیت، بیش از پیش احساس می‌شود. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در پاسخ به این سؤال که «نظام اعطای تابعیت در ایران با تصویب و اجرای قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی با چه آسیب‌هایی رو به رو شده و چگونه باید درصدد برطرف کردن آن برآمد؟»، بر اساس نتایج پژوهش آسیب‌های ناشی از اجرای این قانون در ۵ دسته به شرح ذیل احصاء گردید: ۱- برهم خوردن انسجام قوانین مربوط به تابعیت، ۲- گسترش تعداد افراد دارای تابعیت مضاعف (نقض اصل وحدت تابعیت)، ۳- عدم حساسیت به رعایت قوانین و مقررات کشور، ۴- وجود امکان سوءاستفاده از قانون و عدم پیشگیری از آن ۵- تحصیل تابعیت از سوی افراد کمتر از ۱۸ سال بدون اراده فرد یا ولی قانونی او که در نهایت برای رفع این آسیب‌ها پیشنهادهایی ارائه شد.

#### واژگان کلیدی

تابعیت، تابعیت اکتسابی، اقامت، اتباع خارجی، قانون مدنی، فرزندان مادر ایرانی.

\*. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (ghamamy@isu.ac.ir)

\*\*دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه عدالت، تهران، ایران (abolfazlghavi@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

تابعیت<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم نسبتاً جدید در ادبیات حقوقی و سیاسی بین‌المللی است و به کارگیری این اصطلاح در خصوص ساکنین یک سرزمین و افراد مقیم در آن چندان سابقه طولانی در جهان ندارد، چراکه این مفهوم مستقیماً با مفاهیمی همچون ملت و دولت در ارتباط است که خود، محصول دنیای مدرن و مفهوم دولت وستفالیایی است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۱۹؛ صاحبقران فرد و سیفی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

تابعیت در لغت به معنای «پیروی کردن» (عمید، ۱۳۸۹: ۳۱۶) به کار رفته است، اما معنای اصطلاحی آن به یک رابطه متقابل میان فرد و دولت اشاره دارد که برای هر یک از طرفین موجد حقوق و تکالیفی است (فرحدوست، ۱۳۹۸: ۳۳). برخی حقوقدانان در تعریف این مفهوم نوشته‌اند: «تابعیت عبارت از رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد» (نصیری، ۱۳۷۷: ۲۶) و برخی دیگر تابعیت را ناشی از قدرت حاکمیت دولت دانسته‌اند (پروین، ۱۳۹۶: ۴۹). همچنین در ترمینولوژی حقوق، تابعیت این‌گونه معنا شده است: «تابعیت عبارت است از رابطه‌ای سیاسی که فرد یا چیزی را به دولتی مرتبط می‌سازد به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور نیز در یک رأی اصراری تابعیت را چنین تعریف کرده است: «تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخص را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد که به لحاظ ارتباط آن با نظم عمومی به طور کلی قابلیت اسقاط و اعراض، به اتکاء اقدام حقوقی یک‌جانبه شخص و یا قابلیت انتقال به غیر و یا شمول مرور زمان را ندارد و در عین حال منشأ اثر از لحاظ ایجاد حقوق و تکلیف و الزامات خاص می‌گردد...» (عرفانی، ۱۳۹۵: ۷۰).

بر اساس آنچه گفته شد، اموری همچون ضابطه شناسایی اتباع یک کشور، اعطای تابعیت به اتباع بیگانه، مسائل مربوط به ترک تابعیت و مواردی از این قبیل، اموری حاکمیتی به شمار می‌روند. هر کشوری بنا به اوضاع و احوال جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی باید در مسائل مربوط به تابعیت، منافع خود را بسنجد و مقرراتی را وضع نماید (امامی، ۱۳۷۴: ۱۶۳).

۱. بیان این نکته ضروری است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قانون مدنی، تنها از لفظ تابعیت و مشتقات آن برای اشاره به ایرانی بودن اشخاص استفاده شده است، در حالی که در برخی از کشورها، اصطلاحاتی همچون نشناختی و سیتیزن شپ با معانی مختلف در خصوص اصناف مختلفی از افراد یک ملت به کار رفته است و در برخی موارد معنی این الفاظ با معنای تابعیت در حقوق ایران منطبق نیست (سروری مقدم، ۱۳۸۳: ۴).

با وجود این شاهد هستیم که قانون‌گذار ایران به ویژه در سال‌های اخیر اقتضائات نهاد تابعیت که ذاتاً سیاسی است را رعایت نکرده و بدون توجه به منافع ملی حاکمیت، قواعدی در این خصوص وضع نموده که آسیب‌هایی را برای نظام اعطای تابعیت در حقوق ایران به همراه داشته است. یکی از بارزترین مصادیق این موضوع، «قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی» مصوب ۱۳۹۸ است که به موجب آن بسیاری از قواعد حاکم بر نظام حقوقی کشور دچار خدشه شده است. افزون بر آن سوءاستفاده‌های ناشی از تصویب این قانون و آثار منفی اجرای آن در مدت کوتاهی پدیدار شده و ضرورت اصلاح این قانون را نمایان ساخته است.

## ۲- پیشینه‌ی نظام حقوقی حاکم بر تابعیت در ایران

بر اساس مطالعات تاریخی صورت گرفته و با توجه به شواهد و قرائن، تا پیش از سال ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۲۸۵ ه.ش) مجموعه مقرراتی در خصوص قواعد تابعیت در ایران وجود نداشته است (نصیری، ۱۳۷۷: ۵۸). نخستین متنی که در آن به صورت کم و بیش جامع به تنظیم قواعد تابعیت ایران مبادرت شده و در دست است، قانون‌نامه تابعیت است که در تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ (ه.ق) در ۱۵ بند تنظیم شده و مشتمل بر قواعدی مبنی بر ملاک تشخیص تابعیت، شرایط ورود به تابعیت ایران و خروج از آن، تغییر تابعیت، بازگشت به تابعیت و ... است (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). اجرای قانون‌نامه تابعیت تا سال ۱۳۰۸ (ه.ش) ادامه یافت تا اینکه در ۳۱ شهریور این سال، مجلس شورای ملی قانون تابعیت را تصویب نمود. این قانون در ۱۶ ماده، ضمن ایجاد دگرگونی در برخی قاعده‌های منعکس در قانون‌نامه، برخی دیگر از آن قاعده‌ها را یا با دادن تغییرهایی در آنها و یا همان‌طور که بودند حفظ کرد و شماری قاعده‌های تازه نیز بر آنها افزود (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). مهم‌ترین تفاوتی که میان این دو متن قانونی می‌توان یافت، تغییر معیار اعطای تابعیت در ایران است. بر اساس قانون‌نامه تابعیت، ضابطه‌ی اعطای تابعیت ایرانی با معیار خاک تعیین شده بود<sup>۱</sup>، لکن در قانون تابعیت مصوب ۱۳۰۸، معیار خون نیز در کنار معیار خاک به عنوان ضابطه اعطای تابعیت در ایران معین شد.<sup>۲</sup>

۱. در بند ۱ این قانون‌نامه چنین ذکر شده بود: «هرکس در خاک دولت علیه ایران متولد شده باشد تبعه ایران محسوب می‌شود، مگر اینکه معلوم شود که در حین ولادت، والدین یا والد او تبعه خارجه است. آن وقت مولود نیز اجنبی شمرده خواهد شد.» همچنین به موجب بند ۲ به افراد غیر ایرانی که در ایران متولد شده بودند اجازه داده شده بود تا پس از ۱۸ سالگی بدون هیچ شرطی تابعیت ایران را تحصیل نمایند.

۲. در بند دوم از ماده اول این قانون چنین ذکر شده بود: «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند».

متن قانون تابعیت مصوب ۱۳۰۸ و متمم آن که در سال ۱۳۰۹ تصویب شده بود، با اندکی اصلاحات به صورت کامل و با حفظ ترتیب مواد، در هنگام نگارش جلد دوم قانون مدنی در سال ۱۳۱۳، به تبعیت از قوانین مدنی برخی از کشورها از جمله فرانسه، وارد این قانون شده و کتاب دوم از جلد دوم قانون مدنی از شماره ۹۷۶ تا ۹۹۱ را تشکیل داد. این مواد قانون مدنی از زمان تصویب تاکنون اصلی‌ترین ضوابط شکل‌دهنده نظام تابعیت در ایران را تشکیل داده است، هرچند اصلاحات مختصری در سال‌های ۱۳۳۷، ۱۳۴۸، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ نسبت به برخی از مواد آن اعمال شد.

یکی از جدی‌ترین اصلاحاتی که از زمان تصویب قانون تابعیت تاکنون در قوانین نظام بخش تابعیت در ایران شکل گرفته است، تصویب «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۸۵ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۸ است.

در سال ۱۳۸۵، با توجه به برخی ابهامات در قانون مدنی در خصوص تابعیت فرزندان متولد از مادر ایرانی، و وجود رویه متفاوت در دادگاه‌ها و نیز دفاتر ثبت از یک سو و کثرت ازدواج‌های واقع شده میان زنان ایرانی و اتباع بیگانه، قانون فوق‌الذکر در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۳۰). بر اساس این قانون مقرر شد «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند».

در سال ۱۳۹۸، بر اساس برخی از انتقاداتی که نسبت به این قانون مطرح می‌شد (توسلی نائینی و فرهانی، ۱۳۹۰: ۳۰)، اصلاحاتی در متن قانون و تبصره‌های آن صورت گرفت و در حقیقت متن جدیدی جایگزین قانون قبلی شد. این اصلاحات که با هدف گستره شمول قانون صورت گرفته بود، منجر به ورود آسیب‌های جدی به نظم حاکم بر قواعد تابعیت در ایران شد.

حذف قید تولد در خاک ایران، اعطای تابعیت به اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال دارند و اراده‌ای برای تحصیل تابعیت نداشته‌اند، حذف الزام به ثبت ازدواج بر اساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، حذف مهلت یک‌ساله از زمان رسیدن به سن ۱۸ سال برای درخواست تابعیت، حذف الزام به ارائه سوءپیشینه کیفری، حذف الزام به اعلام رد تابعیت غیر ایرانی و تعیین تکلیف در خصوص مرجع تشخیص نداشتن مشکل امنیتی و مرجع احراز نسب متقاضیان در صورت وجود ابهام، از مهم‌ترین اصلاحات صورت گرفته در سال ۱۳۹۸ هستند.

### ۳- مختصات نظام تابعیت ایران

پیش از پرداختن به آسیب‌شناسی نظام تابعیت در ایران، ضروری است مختصات این نظام را بررسی نماییم. مختصات نظام تابعیت در ایران را می‌توان در دو بخش معیار اعطای تابعیت در ایران و نحوه پیاده‌سازی اصول سه‌گانه تابعیت در ایران بررسی نمود.

#### ۳-۱- معیار اعطای تابعیت در ایران

در نظام‌های حقوقی مختلف، دو ضابطه برای تعیین تابعیت افراد به کار گرفته می‌شود، یکی از این ضابطه‌ها معیار خون و دیگری معیار خاک است؛ بنابراین سه نوع معیار اعطای تابعیت در میان نظام‌های حقوقی متصور است که عبارت‌اند از: معیار خون، معیار خاک و سیستم مختلط. بر اساس معیار خون یا تحصیل تابعیت از طریق نسب، تابعیت از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود و طفل به محض تولد به تابعیت والدین خود یا یکی از آنها در می‌آید. همچنین بر اساس معیار خاک یا تحصیل تابعیت از طریق تولد در قلمرو یک کشور، تابعیت کشور محل تولد به طفل تحمیل می‌شود.

یکی از نویسندگان در خصوص انتخاب هر یک از معیارهای اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی می‌نویسد: «در انتخاب اصل خون و یا اصل خاک هیچ نوع حقیقت مسلمی بدون در نظر گرفتن زمان و مکان وجود ندارد تا از آن پیروی شود؛ به عبارت دیگر تابعیت مسئله منطقی یا فلسفی نیست تا بتوان برای آن راه‌حل متحدالشکلی پیدا کرد که اعمال آن در همه‌جا و همه‌وقت صلاح باشد» (امامی، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

در دوران کنونی در غالب کشورها ترکیبی از معیارهای خون و خاک مبنای اعطای تابعیت به افراد قرار می‌گیرد و هر دولتی به اقتضای شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و جغرافیایی جامعه خود، ترکیبی از این معیارها را در نظام تابعیت خود به کار می‌گیرند (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). نظام حقوقی ایران نیز چنانکه در بخش قبلی گذشت، هر دو معیار خاک و خون را در اعطای تابعیت مبنای قرار داده و نظام مختلط را برگزیده است. با وجود این می‌توان بیان کرد که در قوانین مربوط به تابعیت در ایران، اصل بر معیار خون گذاشته شده (بند ۲ ماده ۹۷۶) اما در مواردی نیز معیار خاک به کار گرفته شده و برخی از افرادی که والدین خارجی دارند، با داشتن شرایطی ممکن است ایرانی محسوب شده یا تابعیت ایران را تحصیل نمایند (بند ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶).

در ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵، علاوه بر ایرانی بودن مادر افراد متقاضی، تولد آنها در خاک ایران نیز مورد تأکید قانون‌گذار قرار داشت، در حالی که در اصلاح این قانون در سال ۱۳۹۸، این قید حذف شد و صرفاً به معیار خون و نسبت خونی افراد متقاضی با مادر ایرانی اکتفا شد. باین حال نمی‌توان گفت که قانون‌گذار در سال ۱۳۹۸ نظام خون را از طریق مادر نیز اعمال نموده، چراکه همچنان درخواست مادر ایرانی (در خصوص فرزندان کمتر از ۱۸ سال) و درخواست خود فرد متقاضی (در خصوص فرزندان بالای ۱۸ سال) برای اعطای تابعیت ضروری است. همچنین تابعیت اعطایی به این فرزندان، برخلاف افرادی که دارای پدر ایرانی هستند، تابعیت اکتسابی است.

### ۳-۲- اصول سه‌گانه تابعیت

در خصوص مبانی تابعیت، سه اصل مورد وفاق صاحب‌نظران این حوزه قرار دارد که در قوانین تابعیتی نظام‌های حقوقی مختلف در دنیا مورد توجه بوده است. بر این اساس اولاً هر فردی باید تابعیتی داشته باشد (اصل لزوم تابعیت). ثانیاً هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد (اصل وحدت تابعیت). ثالثاً تابعیت یک امر همیشگی و زوال‌ناپذیر نیست (اصل امکان تغییر تابعیت) (نصیری، ۱۳۷۷: ۲۸).

با بررسی قوانین مربوط به تابعیت در حقوق ایران و تطبیق این اصول سه‌گانه با آنها، می‌توان گفت که قانون‌گذار ایران در قوانین مختلف مربوط به تابعیت، به این سه اصل راهنما توجه داشته است.

بر اساس اصل لزوم تابعیت، «بدون تابعیت بودن» حالتی غیرعادی است که مشکلات متعددی را برای فرد و دولت‌ها در پی دارد. بی‌تابعیتی که برای اولین در نیمه اول قرن بیستم به عنوان یک مشکل جهانی شناخته شد، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که تفاوت نظام‌های اعطای تابعیت، اختلافات دولت‌ها، طرد افراد از جوامع، تغییر مرزهای بین‌المللی، دست‌کاری نظام‌های سیاسی و... برخی از این دلایل به شمار می‌آیند (UNHCR, 2005: 6).

بنابراین علاوه بر وجود کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۳۰ و نیویورک ۱۹۶۱ در خصوص کاهش بی‌تابعیتی، بسیاری از دولت‌ها تلاش کرده‌اند تا از طریق وضع قوانین و مقررات مختلف، وضعیت بی‌تابعیتی را در کشور خود به حداقل برسانند (Achiron, 2014: 12). در ایران نیز اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی مصوب

۱۳۹۸ و همچنین نسخ ماده ۹۸۱ قانون مدنی، در راستای اجرای اصل لزوم تابعیت ارزیابی می‌شود. اصل وحدت تابعیت، به معنای نفی تابعیت مضاعف است. داشتن تابعیت بیش از یک دولت، به معنای این است که فرد در قبال دو یا چند دولت حقوق و تکالیفی دارد و این امر موجب بروز تزاخم و تعارض در حقوق و تکالیف شده و فرد و دولت‌های متبوع او را با چالش مواجه می‌سازد. از این رو در مقدمه کنوانسیون لاهه ۱۹۳۰ نیز بر این مطلب تأکید شد که بهتر است هر فردی تنها دارای یک تابعیت باشد (فردوست، ۱۳۹۸: ۸۵).

با این حال اختلاف نظام‌های اعطای تابعیت مبتنی بر معیار خاک یا معیار خون، در کنار مواردی همچون تحمیل تابعیت به واسطه ازدواج و تحصیل تابعیت جدید بدون ترک تابعیت قبلی، باعث گسترش این پدیده در دنیا شده است. نظام حقوقی ایران نیز از این امر مستثنا نیست و اگرچه برخی از قوانین از جمله ماده ۹۸۷ و ۹۸۹ قانون مدنی تمهیداتی برای جلوگیری از پدیده تابعیت مضاعف اندیشیده‌اند، لکن برخی دیگر از قوانین و مقررات حوزه تابعیت به گسترش این پدیده دامن می‌زنند. از جمله حذف شرط اعلام رد تابعیت غیر ایرانی در خصوص فرزندان مادر ایرانی که در اصلاحات سال ۱۳۹۸ صورت گرفت، از مصادیق این مسئله است.

اصل امکان تغییر تابعیت نیز ریشه در بند پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد که بر اساس آن «۱- هرکس حق دارد تابعیتی داشته باشد، ۲- کسی را نمی‌توان خود سرانه از تابعیتش یا حق تغییر تابعیت محروم ساخت.» اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده ۹۸۸ قانون مدنی در خصوص ترک تابعیت ایران، در راستای این اصل مبنایی تابعیت وضع شده‌اند.

#### ۴- آسیب‌شناسی نظم حقوقی حاکم بر تابعیت ایران

در ادامه نگاهی خواهیم داشت به مشکلات و آسیب‌های نظام تابعیت در ایران که بخش مهمی از آنها معلول قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸ است.

پیش از طرح مباحث این بخش لازم است این نکته بیان شود که در زمان اصلاح قانون در سال ۱۳۹۸، یکی از مسائلی که مطرح می‌شد، نگاه سازمان‌های حقوق بشری به ایران و بیان این مسئله بود که تنها ۶ کشور در دنیا انتقال تابعیت از طریق مادر را اجازه نمی‌دهند. فارغ از نادرستی این گزاره اخیر که ناشی از یک مغالطه است<sup>۱</sup>، باید توجه داشت که علی‌رغم اصلاحات

۱. در این مغالطه میان کشورهایی که به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ ملحق نشده‌اند و کشورهایی که بر اساس ماده ۹ این کنوانسیون به زنان در رابطه با تابعیت کودکان، حق مساوی با مردان اعطاء می‌کنند، خلط شده است. طبق گزارش‌ها حداقل ۲۵ کشور دنیا این ماده را اجرا نمی‌کنند.



صورت گرفته در قانون در سال ۱۳۹۸ و با وجود همه آسیب‌های ناشی از آن، نهادهای حقوق بشری این اقدامات را کافی نمی‌دانند و همچنان ایران را یکی از ۲۵ کشور اعمال‌کننده تبعیض علیه زنان در مسئله تابعیت عنوان می‌کنند (ISI, 2020: 86) و خواهان اعطای تابعیت به فرزندان خارج از ازدواج زنان ایرانی (European Network on Statelessness, 2019: 5) و اعطای تابعیت به همسران زنان ایرانی به طور مطلق و بدون شرط هستند (Human Rights Watch, 2019). بنابراین شایسته است تا تصمیم‌گیران و نهادهای قانون‌گذار، بدون توجه به برخی فشارهای بین‌المللی، بر اساس منافع ملی و اصول صحیح قانون‌گذاری و با توجه به نظم حقوقی حاکم بر تابعیت در ایران، در این حوزه اقدام به قانون‌گذاری نمایند و قوانین و مقررات موجود را نیز با همین نگاه مورد ارزیابی مجدد قرار دهند.

#### ۴-۱- برهم خوردن انسجام قوانین مربوط به تابعیت

نخستین آسیبی که می‌توان در خصوص نظام تابعیت ایران برشمرد، برهم خوردن انسجام و یکپارچگی قوانین و مقررات تشکیل‌دهنده این نظام است. قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۱۳، به تقلید از قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه، قانون مستقل تابعیت را نسخ و آن را عیناً به قانون مدنی از ماده ۹۷۶ تا ۹۹۱ منتقل نمود (امامی، ۱۳۷۴: ۱۶۱).

به جز اصلاحات صورت گرفته در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در سال‌های اخیر قوانین دیگری نیز در خصوص تابعیت به تصویب رسیده است. «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۸۵ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۸ مهم‌ترین نمونه از این قوانین بود که به صورت یک قانون مستقل و بیرون از قانون مدنی به تصویب رسید.

همچنین در تبصره بند پ از ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۶ در خصوص خانواده شهدا و ایثارگران غیر ایرانی که در طول هشت سال دفاع مقدس یا بعد از آن در راستای مأموریت محوله از سوی مراجع ذیصلاح به درجه رفیع شهادت یا جانبازی یا اسارت نائل شده باشند، چنین ذکر شده بود «اعطای تابعیت و اقامت به افراد موضوع این ماده بر اساس ضوابط در چهارچوب قانون خواهد بود که حداکثر ظرف مدت سه ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور تهیه و به تصویب شورای عالی امنیت ملی با رعایت اصل یک‌صد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی می‌رسد». که البته این قانون تاکنون به تصویب نرسیده است.



افزون بر این موارد، برخی از امور مربوط به اتباع بیگانه در قوانین متفرقه از جمله «قانون کار» مصوب ۱۳۳۷، «قانون مدیریت خدمات کشوری» مصوب ۱۳۸۶، «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲، «قانون آیین دادرسی کیفری» مصوب ۱۳۹۲ و قوانینی از این دست تعیین تکلیف شده‌اند. همچنین در «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» مصوب ۱۴۰۱، برای اولین بار در قوانین ایران، از اصطلاح تابعیت مضاعف استفاده شد که برخلاف مقررات قانون مدنی، به نوعی به رسمیت شناختن این موضوع تلقی می‌شود و تناقضی را در نظام تابعیت ایران رقم زده است. بنابراین با تصویب قوانین پراکنده و با انجام برخی اصلاحات در قانون مدنی از سال ۱۳۳۷ تاکنون، نظام تابعیت ایران یکپارچگی خود را از دست داده و در برخی موارد به ویژه در خصوص اصل وحدت تابعیت دچار چالش‌ها و تناقضاتی گردیده است. به عنوان مثال جامعیت ماده ۹۷۶ در برشمردن تمام حالت‌های ممکن برای ورود به تابعیت ایران، با تصویب «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» و اصلاح آن و برخی از مصوبات شورای عالی امنیت ملی برهم‌خورده و حکم ماده ۹۸۹ قانون مدنی در خصوص به رسمیت نشناختن تابعیت مضاعف، با قید این اصطلاح در بند ۱ ماده ۲ «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» زیر سؤال رفته است.

همچنین باید توجه داشت که اساساً به نظر برخی از حقوقدانان، تابعیت از موضوعات حقوق عمومی است و ذکر آن در قانون مدنی که حاکم بر روابط حقوق خصوصی است شایسته نیست (نصیری، ۱۳۷۷: ۶۰). این مسئله با توجه به تعریف ارائه شده از تابعیت در ابتدای این مقاله به عنوان «رابطه حقوقی میان شخص و دولت» و تعریف رایج از حقوق عمومی یعنی «تنظیم مسائل عمومی با محوریت دولت و به کارگیری اقتدار عمومی برای کسب منافع عمومی و برقراری نظم عمومی» (غمامی، ۱۳۹۶: ۱۵) بی‌وجه به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین تصویب یک مجموعه جامع از قواعد و قوانین حاکم بر تابعیت و مسائل مرتبط با آن، به عنوان یک قانون مستقل و بیرون از قانون مدنی می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد مطرح شود.

#### ۴-۲- گسترش تعداد افراد دارای تابعیت (نقض اصل وحدت تابعیت)

یکی دیگر از آسیب‌هایی که می‌توان به نظام تابعیت در ایران وارد دانست، چالش‌های مربوط به اصل وحدت تابعیت است. چنانکه توضیح داده شد، بر اساس این اصل، هر شخص باید در تابعیت یک دولت باشد و نسبت به یک دولت دارای حقوق و تکالیف باشد.

در قانون مدنی ایران، تابعیت مضاعف به رسمیت شناخته نشده است و هر شخص تنها می‌تواند دارای یک تابعیت باشد. در روشن‌ترین مصداق این موضوع، در ماده ۹۸۹ این قانون ذکر شده است که «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود.» همچنین در ماده ۹۸۷ آمده است «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.» همچنین مقررات مندرج در ماده ۹۷۷ و ۹۸۴ این قانون را نیز باید در همین راستا تفسیر نمود. به همین خاطر و برای رعایت این اصل، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۵ در ماده واحده «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» تأکید نموده بود که «این افراد در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند».

اما با اصلاح این قانون در سال ۱۳۹۸، این قید حذف شد و فرزندان که از پدر خارجی و مادر ایرانی به دنیا می‌آیند بدون نیاز به رد تابعیت غیر ایرانی خود به تابعیت ایران درمی‌آیند. البته باید توجه داشت که این ایراد به خود قانون مدنی نیز وارد است، چراکه در این قانون به رد تابعیت غیر ایرانی برای ورود به تابعیت ایران تصریح نشده است.

این در حالی است اکثریت قریب به اتفاق این فرزندان دارای تابعیت کشورهای متبوع پدران خود هستند و از حیث بی‌تابعیت بودن مشکلی نداشته‌اند، بلکه تنها بخشی از آنان به واسطه تولد و حضور در ایران و نیز علاقه‌ای که به واسطه مادر خود به ایران دارند، نیاز به برخی حمایت‌ها و خدمات اجتماعی برای زندگی در ایران داشته‌اند و قانون‌گذار می‌توانست این حمایت‌ها را در قالبی به غیر از اعطای تابعیت به آنان فراهم نماید.

به نظر می‌رسد که یکی از اصلاحاتی که انجام آن برای رفع مشکلات نظام تابعیت دارای ضرورت است، الزام متقاضیان ورود به تابعیت ایران به ترک تابعیت غیر ایرانی آنها و اعلام این موضوع به دولت جمهوری اسلامی ایران است.

همچنین باید توجه داشت که رویکردهایی در خصوص اعطای تابعیت بدون قید و شرط به فرزندان که مادر ایرانی دارند نیز وجود دارد (دانش‌پژوه، ۱۳۹۹: ۲۳۵-۲۳۶)، با این حال باید توجه داشت که در کنوانسیون راجع به کاهش بی‌تابعیتی نیز الزام دولت‌ها به اعطای تابعیت از طریق نسب مادر، منوط به دو شرط تولد در خاک سرزمین متعاقد و بی‌تابعیت ماندن طفل در صورت عدم اعطای تابعیت است و دارای اطلاق نیست (انصاری، ۱۳۹۶: ۷۲).

## ۴-۳- عدم حساسیت به رعایت قوانین و مقررات کشور

آسیب دیگر در خصوص قوانین تابعیت در ایران، عدم حساسیت قانون‌گذار به رعایت برخی از قوانین و مقررات کشور توسط متقاضیان ورود به تابعیت ایران است. به عنوان مثال در بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶، هیچ اشاره‌ای به این مطلب نشده است که پدر و مادر خارجی فرد متولد در خاک ایران، به صورت قانونی وارد خاک ایران شده یا در آن متولد شده‌اند یا خیر. همچنین در ماده ۹۷۹ این قانون، اشاره‌ای نشده است که آیا شرط سکونت ۵ ساله برای کسب تابعیت ایران، با قید رعایت قوانین مربوط به ورود و اقامت اتباع بیگانه است، یا هر نحوی از سکونت مورد قبول قانون‌گذار بوده است.

همچنین وجود ماده ۹۸۱ در قانون مدنی که اکنون نسخ شده است، ضمانت اجرایی بود برای اینکه اگر در آینده معلوم شد فردی که به تابعیت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده، فاقد برخی از شرایط از مذکور در ماده ۹۷۹ بوده یا به قوانین کشور پایبند نبوده است، امکان داشت تابعیت ایران از او سلب شود، ولی با نسخ صریح این ماده چنین ضمانت اجرایی به طور کامل از نظام حقوقی ایران حذف شده است.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مقرراتی که مورد کم‌توجهی قانون‌گذار واقع شده است، ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مبنی بر لزوم اجازه دولت در خصوص ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه است.<sup>۲</sup> در «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۸۵، این الزام قانونی وجود داشت و وزارت کشور ملزم گردیده بود تا این امر را جهت اعطای تابعیت به این فرزندان احراز نماید، اما در اصلاح قانون فوق‌الذکر در سال ۱۳۹۸، این الزام حذف شد و به طور کل توسط قانون‌گذار نادیده گرفته شد و عبارت ازدواج شرعی جای ازدواج قانونی را گرفت. این در حالی است که عمده این ازدواج‌ها بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و تحصیل پروانه زناشویی

۱. ماده ۹۸۱ مصوب ۱۳۱۳ (نسخ شده در سال ۱۳۷۰) - اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و هم‌چنین هرگاه قبل از انقضای مدتی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل می‌شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تابعیت ایران صادر خواهد کرد.

تبصره- اتباع خارجه که به تابعیت ایران قبول می‌شوند در صورتی که در ممالک خارجه متوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازات‌های مقرر، با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آن‌ها سلب خواهد شد:

الف- کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالف و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

ب- کسانی که خدمت نظام وظیفه را به طوری که قانون ایران مقرر می‌دارد ایفا ننمایند  
۲. در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت این ماده و تأثیر آن بر صحت ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، ولی نظریه عدم تأثیر به لحاظ آثار گسترده‌ای که به اطفال حاصل از این ازدواج تحمیل می‌شود، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. (وحدتی سبیری و افشار قوچانی، ۱۳۹۳: ۱۵۱ و ایمانی نائینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۹)

صورت می‌گیرد (امینی و امینی، ۱۳۹۸: ۴۳۶) و مشکل اساسی در خصوص ازدواج بین زنان ایرانی با اتباع افغانستانی، عدم کسب مجوز مندرج در این ماده است، زیرا اغلب افغانستانی‌هایی که در ایران حضور دارند فاقد مدارک قانونی هستند و به همین جهت برای اخذ پروانه زناشویی به وزارت کشور مراجعه نمی‌کنند (ارفع نیا، ۱۳۸۷: ۹۵).

در حال حاضر اساساً این پرسش مطرح است که اگر به‌واسطه قانون مصوب سال ۱۳۹۸، فرزند حاصل از ازدواج شرعی زن ایرانی با مرد خارجی بتواند تابعیت ایرانی کسب کند و برای مرد خارجی هم به استناد این ازدواج پروانه اقامت صادر گردد، آیا دیگر دلیلی برای اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و کسب مجوز وزارت کشور جهت پروانه ازدواج وجود دارد؟

بنا بر آنچه گفته شد، ضروری است تا در هرگونه قاعده‌گذاری برای موضوع تابعیت، قانون‌گذار نسبت به رعایت کلیه قوانین جمهوری اسلامی ایران تأکید و پافشاری داشته باشد و اعطای تابعیت را منوط به رعایت کلیه قوانین نماید. از این میان تأکید بر رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی برای بهره‌مندی از امتیازات در نظر گرفته‌شده برای حمایت از فرزندان دارای مادر ایرانی و خانواده آنها و نیز تأکید بر رعایت مفاد قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰، برای افراد غیر ایرانی که متقاضی ورود به تابعیت ایران هستند، بیش از سایر موارد حائز اهمیت است.

#### ۴-۴- وجود امکان سوءاستفاده از قانون و عدم پیشگیری از آن

اگرچه هدف قانون‌گذار از تصویب قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی در سال ۱۳۹۸، حمایت از زنان ایرانی و فرزندان آنها بود، لکن این قانون در مقام اجرا چالش‌هایی را در پی داشت و موجبات سوءاستفاده‌هایی را فراهم آورد. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به ازدواج‌های صوری برای دریافت اقامت ایران و جازنی فرزندان زنان غیر ایرانی به عنوان فرزندان زن ایرانی و اخذ تابعیت ایران برای آنها اشاره نمود.

این در حالی است که قانون‌گذار می‌توانست با درج شرایطی در متن قانون، از این گونه سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند تا هم منافع ملی به خطر نیفتد و هم حمایت از زنان ایرانی دچار خدشه نشود. به عنوان مثال الزام به رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی جهت بهره‌مندی از مزایای قانون، به طور کامل مشکل ازدواج‌های صوری را برطرف می‌نمود و کرامت زن ایرانی را نیز بیشتر حفظ می‌کرد. همچنین الزام به استفاده از فناوری‌های نوین همچون آزمایش دی ان ای (دنا) می‌توانست مشکلاتی همچون تقلب و جازنی را برطرف نماید.

باید توجه داشت که ایراد امکان سوءاستفاده از قانون، در خصوص ماده ۹۷۶ قانون مدنی نیز متصور است و عدم وجود هیچ‌گونه شرطی برای بررسی صلاحیت افراد موضوع بندهای ۴ تا ۶ این ماده، از مواردی است که حتماً باید در اصلاح این قانون مورد توجه قرار بگیرد، چراکه منطقی نیست اعطای تابعیت ایران برای فرزندان که دارای مادر ایرانی هستند نسبت به فرزندان که هم مادر و هم پدر آنها غیر ایرانی هستند، سخت‌تر و دارای شرایط پیچیده‌تر باشد. بنابراین مناسب است که قانون‌گذار در اصلاح قوانین مربوط به تابعیت، از هرگونه امکان سوءاستفاده از قوانین جلوگیری نماید. پیش‌بینی بررسی عدم وجود مشکل امنیتی و عدم وجود سوءپیشینه کیفری در ماده واحده مصوب ۱۳۹۸، امر مناسبی است که لازم است تا در خصوص سایر متقاضیان ورود به تابعیت ایران از جمله اشخاص موضوع بندهای ۴ تا ۶ ماده ۹۷۶ و اشخاص موضوع مواد ۹۷۹ و ۹۸۰ قانون مدنی نیز اعمال شود. همچنین استفاده از فناوری‌های نوین همچون آزمایش دی ان ای (دنا) در خصوص احراز نسب اشخاص مشمول قانون نیز یکی دیگر از راه‌های جلوگیری از تقلب و سوءاستفاده از قانون توصیه می‌شود.

#### ۵-۴- تحصیل تابعیت از سوی فرد کمتر از ۱۸ سال (بدون اراده فرد یا ولی قانونی او)

آسیب دیگری که با تصویب قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی در سال ۱۳۹۸ متوجه نظام تابعیت در ایران شده است، امکان تحصیل تابعیت از سوی افرادی است که کمتر از ۱۸ سال دارند. در نظام تابعیت ایران، یا افراد از بدو تولد ایرانی محسوب می‌شوند که به آن تابعیت ذاتی گفته می‌شود و یا پس از سن ۱۸ سالگی با اراده و تقاضای شخصی، تابعیت ایران را تحصیل می‌نمایند که به آن تابعیت اکتسابی گفته می‌شود. در تعریف تابعیت اکتسابی آمده است: «موردی از تابعیت است که شخص در حیات خود با فاصله‌ای بعد از تولد در اثر مواردی چون ازدواج، اقامت و غیره آن را به دست می‌آورد. در مقام مقایسه می‌توان گفت در حالی که تابعیت اصلی بر اساس اعمال اصل خون یا اصل خاک پدید می‌آید و در واقع تحمیل تابعیت به شخص است، تابعیت اکتسابی امری است اختیاری و نمی‌توان آن را به کسی تحمیل کرد، بلکه متقاضی باید آن را از دولتی بخواهد و آن دولت اگر مایل بود و مقرراتش اجازه داد، تقاضا را بپذیرد و تابعیت را اعطا کند» (سهرابی، ۱۳۸۵: ۴۱ و مدنی، ۱۳۸۷: ۸۲). در قانون فوق‌الذکر قانون‌گذار برای اولین بار نوعی از تابعیت را پیش‌بینی نموده که با هیچ‌یک از این دو نوع تابعیت منطبق نیست. در صدر این ماده واحده آمده: «فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند،

قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی‌آیند».

این تابعیت را نمی‌توان تابعیت ذاتی دانست، (الماسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷) چراکه منوط به درخواست مادر ایرانی است و بدون درخواست به افراد داده نمی‌شود، در حالی که در خصوص افراد متولد از پدر ایرانی، چنین قیدی وجود ندارد و این افراد از لحظه تولد ایرانی محسوب می‌شوند؛ اما این نوع تابعیت با انواع دیگر تحصیل تابعیت نیز متفاوت است، چراکه بدون اراده خود فرد یا ولی قانونی او، با درخواست مادر ایرانی تابعیت ایران به فرد تحمیل می‌شود. همچنین باید توجه داشت که این امر با اصل وحدت تابعیت در خانواده نیز متعارض است و علاوه بر آن منجر به تولید افراد دو تابعیتی می‌شود.

قانون‌گذار در ماده واحده سال ۱۳۸۵، تأکید کرده بود که این فرزندان پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا نمایند و لذا این آسیب در نسخه اولیه قانون وجود نداشت ولی در اصلاحات سال ۱۳۹۸، به شرحی که گفته شد، این آسیب به نظام تابعیت ایران وارد شد. از این رو لازم است تا قانون‌گذار با حفظ رویه واحد خود، هرگونه تابعیت اکتسابی را منوط به اراده اشخاص و پس از سن ۱۸ سالگی آنها بنماید و از تحمیل تابعیت ایران به اطفال صغیر، جز در مواردی که پدر (ولی قهری) آنها دارای تابعیت ذاتی یا اکتسابی ایران است، خودداری نماید (موضوع بند ۲ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۴ قانون مدنی).

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد پیکره اصلی نظام کنونی تابعیت ایران را مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۳ تشکیل داده‌اند. برخی مشکلات و نیازهای جدید در حوزه تابعیت موجب شد تا قانون‌گذار ابتدا در سال ۱۳۸۵ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی را به تصویب برساند و سپس در سال ۱۳۹۸ با اصلاح این قانون و تغییر عنوان آن، قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی را تصویب کند. بر اساس آسیب‌شناسی که در مقاله حاضر صورت گرفت، تصویب و اجرای قانون فوق، آسیب‌هایی را به نظام تابعیت در ایران وارد نمود. هرچند این آسیب‌ها محدود به قانون فوق‌الذکر نبوده و اشکالاتی به کتاب تابعیت قانون مدنی نیز وارد است.

مجموعه این آسیب‌ها را در پنج عنوان کلی می‌توان بیان نمود. این موارد عبارت‌اند از: ۱- برهم خوردن انسجام قوانین مربوط به تابعیت، ۲- گسترش تعداد افراد دارای تابعیت مضاعف (نقض اصل وحدت تابعیت)، ۳- عدم حساسیت به رعایت قوانین و مقررات کشور، ۴- وجود امکان سوءاستفاده از قانون و عدم پیشگیری از آن و ۵- تحصیل تابعیت از سوی افراد کمتر از ۱۸ سال (بدون اراده فرد یا ولی قانونی او).

لذا برای رفع این آسیب‌ها پیشنهادهایی در قالب چند نکته ارائه خواهد شد:

الف- مجموعه احکام قانونی مربوط به تابعیت انسجام اولیه خود را از دست داده و بنابراین لازم است که به صورت یک مجموعه واحد بازنویسی شود. پیشنهاد می‌شود که این مجموعه خارج از قانون مدنی و به عنوان یک قانون مستقل به تصویب برسد.

ب- قانون‌گذار در سال ۱۳۹۸ با هدف حمایت و صیانت از حقوق زنان ایرانی و فرزندان آنها قانون فوق‌الذکر را به تصویب رسانده است؛ اما باید توجه داشت که این حمایت، الزاماً و تنها با اعطای تابعیت محقق نمی‌شود و با پیش‌بینی مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی اجتماعی و اقتصادی، این نیاز برطرف خواهد شد. به ویژه در زمانی که تصویب و اجرای چنین قانونی، آسیب‌هایی به شرح مندرج در این مقاله را به نظام حقوقی ایران وارد می‌آورد.

ج- با وجود آنچه گفته شد، در خصوص ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ انجام اصلاحات ضروری به نظر می‌رسد، اما بخش عمده‌ای از این اصلاحات با بازگشت به متن ماده واحده مصوب ۱۳۸۵ امکان‌پذیر خواهد بود. به عنوان مثال:

- ۱- منوط کردن استفاده از امتیازات قانون به ثبت رسمی ازدواج والدین با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی،
- ۲- مشروط کردن تحصیل تابعیت برای فرزندان دارای مادر ایرانی به رسیدن به سن ۱۸ سالگی و پس از اعلام رد تابعیت غیر ایرانی آنها،
- ۳- الزام به انجام آزمایش دی‌ان‌ای برای اثبات نسب و
- ۴- محدود کردن استفاده از امتیازات قانون به فرزندی که در ایران متولد می‌شوند، از جمله اقدامات ضروری است که بخش مهمی از آسیب‌های وارد شده به نظام تابعیت در ایران را مرتفع می‌نماید.
- د- در نهایت همگام با اصلاح قانون فوق‌الذکر، رفع برخی از آسیب‌هایی که متوجه خود قانون مدنی است نیز ضرورت دارد. به عنوان مثال: ۱- اصلاح بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و درج شرایطی مشابه ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ برای فرزندی که پدر آنها غیر ایرانی است، ۲- اصلاح ماده ۹۸۹ قانون مدنی و پوشش تمام انواع افراد دارای تابعیت مضاعف و ۳- اصلاح ماده ۹۷۹ و ۹۸۰ قانون مدنی و الزام به رد تابعیت غیر ایرانی برای متقاضیان ورود به تابعیت ایران، از اصلاحات ضروری در قانون مدنی به شمار می‌رود.



منابع

- ◀ ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۵). تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی. *مجله کانون وکلا*، ۱۹۲ و ۱۹۳.
- ◀ امامی، سید حسن (۱۳۷۴). حقوق مدنی. جلد چهارم، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ◀ امینی، مهدی و زهرا امینی (۱۳۹۸). تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی. *حقوق خصوصی*، ۱۶، ش ۲.
- ◀ انصاری، محمدباقر (۱۳۹۶). *اسناد بین‌المللی حقوق بشر*. جلد ۴، تهران: خرسندی.
- ◀ ایمانی نائینی، محسن، صادقی، محمود، و عبدی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴ (۵۴).
- ◀ پروین، خیرالله (۱۳۹۶). *حقوق بشر از نظر تا عمل*. تهران: میزان.
- ◀ توسلی نائینی، منوچهر، و فرهانی، نوشین (۱۳۹۰). نقدی بر قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۹۸، تمدن حقوقی، ۳، (۶).
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- ◀ دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۱). *اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛ تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ◀ دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۹). *بازخوانی انتقادی - اصلاحی ماده‌واحد مصوب مهرماه ۱۳۹۸ درباره تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی*. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۲۰ (۱۱).
- ◀ سروری مقدم، مصطفی (۱۳۸۳). *مروری بر تفاوت تابعیت، شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا و فرانسه*. نشریه *مدرس علوم انسانی*، ۸ (۳).
- ◀ سلجوقی، محمود (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. جلد اول، تهران: میزان.
- ◀ سهرابی، محمد (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: گنج دانش.
- ◀ صاحبقران فرد، سعیده، و سیفی، آناهیتا (۱۳۹۶). *حقوق افراد بدون تابعیت در ایران و معاهدات بین‌الملل، مطالعات حقوقی*، ۱ (۱۱).
- ◀ عرفانی، توفیق (۱۳۹۵). *مجموعه آرای اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور*. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- ◀ عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: راه رشد.
- ◀ غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). *دایره‌المعارف حقوق عمومی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ◀ فرحدوست، محمدصادق (۱۳۹۸). *تابعیت و تابعیت مضاعف از منظر حقوق بین‌الملل و رویه قضایی ایران*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- ◀ قربان نیا، ناصر (۱۳۸۷). *تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی*. حقوق

تطبیقی، ش ۱۵، پیاپی ۷۰.

◀ الماسی، سعید، الماسی، نجادعلی، و افتخار جهرمی، گودرز (۱۴۰۱). تابعیت زن و فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان، تحقیقات حقوقی، ۲۵ (۱۰۰).

◀ مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی ۱ و ۲. تهران: پایدار.

◀ مهدی پور، فاطمه، سبحانی، مهین، و مقصودی رضا (۱۴۰۰). نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۲ (۲۳).

◀ نصیری، محمد (۱۳۷۷). حقوق بین‌الملل خصوصی. جلد اول، تهران: آگاه.

◀ وحدتی شبیری، سید حسن، و افشار قوچانی زهره (۱۳۹۳). تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۸ (۴).

► Achiron, Marilyn.(2014). Nationality and Statelessness: Hand book for Parliamentarians N° 22. UNHCR publication.

► European Network on Statelessness and Institute on Statelessness and Inclusion, 'Country Position Paper: Statelessness in Iran', 2019.

► Human Rights Watch .(2019). 'Iran: Parliament OKs Nationality Law Reform'. <https://www.hrw.org/news/2019/05/14/iran-parliament-oks-nationality-law-reform>.

► ISI (Institute on Statelessness and Inclusion), The World's Stateless: Deprivation of Nationality, Institute on Statelessness and Inclusion publication, March.2020.

► UNHCR (United Nations High Commissioner for Refugees), Nationality and Statelessness: A Handbook for Parliamentarians, UNHCR publication, 20 October 2005.